

پژوهشهای قرآنی، خالی‌گاهی در نظریه‌پردازی حقوقی؛

ناگفته‌هایی از تئوری موازنه مرحوم استاد جعفری لنگرودی

محمد درویش‌زاده^۱

۱- مقدمه

پژوهش برای نظریه‌پردازی حقوقی با درون مایه‌ای از محتوای قرآنی، اقیانوسی عمیق و بی‌کران است، نویسنده در طول عمر- که به سرعت و به غفلت گذرانده است- همچون عاشقی شیفته به این ساحت پژوهشی نگریسته و از حسرت وصالش در درون گریسته و به انتظار مشاهده جمالش همچنان ایستاده است و به اندازه نمی از این اقیانوس بی‌کران، بهره‌ای نگرفته است!! اما جاذبه عشق بالاتر است از وصال و بهره برداری، گر عشق نبودی و غم عشق نبودی / چندان سخن نغز که گفتی؟ که شنودی؟ / در این نوشتار به مناسبت همین عشق نافرجام از "نظریه‌پردازی حقوقی به مثابه خالی‌گاهی در پژوهشهای قرآنی" سخن خواهد رفت، انتخاب مطالعه موردی از آثار مرحوم استاد جعفری لنگرودی همراه با ناگفته‌هایی از آن عزیز رحیل به چندین مناسبت است اول این که شاید جامعه حقوقی ما از پیوند عمیق و وسیع آن مرحوم با پژوهشهای قرآنی اطلاع چندانی نداشته باشد، دوم این که در سالگرد اولین ارتحال بی‌پژواک و رمز آلود آن استاد، هستیم و سوم این که این مناسبت همراه است با حلول ماه مبارک رمضان که در میانه دو سال (۱۴۰۲-۱۴۰۳) واقع شده است و دیگر این که این نوشتار در نشریه‌ای منتشر خواهد شد که تمامی مقالات به روح بلند آن بزرگ تقدیم خواهد شد، بر این اساس اشاره‌ای داریم به پیشینه ارتباط مرحوم استاد جعفری لنگرودی با مطالعات قرآنی و در

۱. رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران و قاضی پیشین دیوانعالی کشور، تهران، ایران

ادامه گزارشی از تجلی قرآن بر کتاب مستطاب ایشان با عنوان "مبسوط در ترمینولوژی حقوق" ارائه می‌شود تا به شمارِ عددیِ جرقه‌های ذهنی و قرآنی ایشان در پژوهشهای حقوقی اشاره شود و در ادامه توصیفی ناگفته ارائه می‌شود از "پژوهش در آیات الاحکام مرتبط با تئوری موازنه". در ادامه و برای تعدیل موضع نیز بحثی خواهیم داشت با عنوان "حدود انتظار از پژوهشهای قرآنی در نظریه‌پردازی حقوقی" و در نهایت نیز نتیجه‌گیری این نوشتار ارائه خواهد شد.

۲- پیشینه پیوند مرحوم استاد جعفری لنگرودی با پژوهشهای قرآنی

به گمان این جانب جامعه حقوقی ایران و خیل علاقمندان به آثار و شخصیت علمی مرحوم استاد جعفری لنگرودی از انس و عمق توجه ایشان به مفاهیم و محتوای قرآنی در پژوهش‌های حقوقی، اطلاع چندانی ندارند، اما اطلاعات این جانب حاکی از آن است که پیوند آن مرحوم با پژوهشهای قرآنی از دوران طلبگی در حوزه علمیه مشهد آغاز شده بود و تا آخرین روز حیات ایشان بسیار عمیق و وسیع ادامه داشت، به گمان نویسنده عدم اشتها ایشان در این زمینه پژوهشی به خاطر آن است که ایشان هیچ‌گاه به ارتباط با قرآن تظاهر نکرد و حتی فکر کسب امتیاز و اشتها از این منظر به ذهن وی خطور هم نکرد، اما همیشه در خلوت، نگاهی بسیار عمیق همراه با تواضع و اشتیاق در پیشگاه قرآن داشت، مرحوم استاد در یکی از مکاتباتی که با این جانب داشتند چنین می‌نویسند:

... "در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی (احتمالاً) که تازه وارد دانشکده حقوق شده بودم کتابی به نام "اصول فلسفی حقوق" نوشته و منتشر کردم، این اسم آن کتاب است، اما کل محتوای آن کتاب عبارت از یک سیستم ابداعی که نام آن را گذاشتم "حقوق یک عنصری"، [این کتاب] مورد توجه مرحوم دهخدا واقع شد، گویا ذیل کلمه "حقوق یک عنصری" بتوانید در لغت‌نامه آن را پیدا کنید، حقوق یک عنصری یک اندیشه حقوقی است مستفاد از آیه شریفه "... فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم..."

این مکاتبه نشان می‌دهد که اندیشه نظریه‌پردازی حقوقی با استفاده از محتوای قرآنی از دیرباز با آن مرحوم همراه بوده است، ایشان در مکتوب دیگری که در سال ۱۳۹۹ فرستادند چنین می‌نویسند.

... "نظر مشورتی شما را خواستارم درباره قرآن که من مردد (یا محتاط) هستم بین یکی از دو طریق ذیل

اول- نوشتن به صورت تفاسیر معمول، من البدو الی الختم.

دوم- نوشتن به صورت "دروس قرآن" که برای جوانان دیپلم به بالا جالب توجه است، اگر این را پسندیدید قبلاً باید زحمت بکشید نزد آقای گنج دانش کتاب قریب الطبع مرا به نام "دروس حقوق سیاسی" نگاه اجمالی (ربع ساعت) بکنید که آن معیار خوبی است برای الگو گرفتن؟... اگر چه پاسخ این جانب به ملاحظه شرایط جسمانی ایشان و مشکلات دست رسی به منابع و حجم عظیم از پژوهشهای موجود قرآنی به گونه بود که ایشان در مکاتبه بعدی نوشتند که "... به هر حال با نظر شما در ترک تحریر دانش نامه قرآن موافقم... " اما اشاره به این اسناد از آن جهت بود که انس و پیوند عمیق ایشان را با مطالعات قرآنی در زمینه حقوق نشان دهم و تاکید می‌کنم که با اطلاعی که تا آخرین روزهای حیات پربرکتشان داشتم، پیوند ایشان با قرآن و تلاوت قرآن عمیق، وسیع و همیشگی بود، خدایش رحمت کناد و با قرآن محشور گرداند که در این زمینه ادعایی نکرد و امتیازی را نطلبید اما خاموش و بی‌صدا به این پژوهشها نگاهی مشتاقانه داشت و از اعماق درون با آن زیسته بود.

۳- تجلی قرآن در مبسوط استاد جعفری لنگرودی

این عنوان، پژوهشی است که صاحب این قلم با همکاری سرکار خانم دکتر رقیه فراهانی به انجام رساند و در مجموعه مقالات همایش ملی تجلیل از مقام علمی استاد محمد جعفر لنگرودی به چاپ رسیده است، در این مقاله تلاش شده است که نحوه تحلیل، تفسیر، استناد و ارجاع استاد جعفری لنگرودی به آیات قرآن کریم بررسی شود. محدوده این تحقیق تنها یکی از تألیفات ایشان بود که عبارت است از مجموعه ۵ جلدی مبسوط در ترمینولوژی حقوق. مرحوم استاد جعفری لنگرودی در این مجموعه ۵ جلدی تعداد ۱۵ هزار و ۱۶۵ مدخل را تعریف کرده‌اند از این تعداد در ۴۴۱ مدخل به آیه یا آیات مشخصی از قرآن کریم ارجاع داده یا استناد کرده‌اند، در این پژوهش تلاش شد که هر یک از مدخلهایی که مرحوم استاد به آیه‌ای ارجاع یا استناد کرده‌اند از چهار منظر بررسی شود. ۱- چه وجه خلاقانه‌ای در برداشت و تبیین از آیه مورد استناد

توسط مرحوم استاد ارائه شده است؟ ۲- آیا این برداشت خلاقانه موجب طرح پرسش یا زمینه پژوهشی جدیدی را فراهم کرده است؟ ۳- آیا موجب توسعه علمی شده است؟ ۴- به لحاظ کاربردی آیا زمینه اصلاح قوانین را فراهم کرده یا نه؟ طبیعی است همه سوالهای چهار گانه یاد شده در خصوص تک تک ۴۴۱ مدخل قابل طرح نباشد اما به تناسب در این مقاله تلاش بر آن بود که بر اساس سوالهای چهار گانه فوق جرعه‌های ذهنی، ابتکارات خلاقیتها و نوآوریهای که مرحوم استاد داشتند و ربط معنایی جدیدی میان آیه قرآنی با اصطلاحات حقوقی ایجاد کرده بودند، باز تعریف و طبقه بندی شود. در هنگام انجام این پژوهش گمان نمی‌رفت که در میان بیش از ۲۰۰۰ صفحه مجموعه مقالات اهدایی به استاد، این مقاله چنان مورد توجه و پذیرش استاد قرار گیرد که در مکالمه‌ای آن را از تمامی مقالات بهتر بدانند و حتی در متن مکتوبی چنین نگاشتند که "...مقاله شما درباره قرآن شاهکار است و ماندگار، جزاک الله خیرالجزا..."

صرف نظر از ارزیابی پر از مهر استاد، صرف وجود نگرش قرآنی استاد در بیش از ۴۴۰ مدخل حقوقی نشان می‌دهد که زمینه انجام پژوهشهای قرآنی در نظریه‌پردازیهای حقوقی بسیار گسترده است، زیرا همان‌طور که بیان شد تنها در یکی از کتابهای ایشان بیش از ۴۴۰ مدخل حقوقی شناسایی شده که در آن به آیات قرآنی ارجاع و استناد کردند و طبیعی است که اگر این پژوهش در سایر آثار ایشان و نیز در سایر آثار استادان حقوق کشور انجام شود می‌توان جرعه‌های ذهنی بسیاری را شناسایی کرد و از میان این جرعه‌ها می‌توان محتوای لازم را فراهم کرد. و خالی گاه پژوهشهای قرآنی را در نظریه‌پردازی حقوقی تکمیل نمود.

۴- ناگفته‌هایی از آیات الاحکام تئوری موازنه

تردیدی نیست که تئوری موازنه حاصل تلاش اجتهادی و نظریه‌پردازی مرحوم استاد «محمدجعفر جعفری لنگرودی» است و این نظریه شاخص‌ترین و مهم‌ترین ابتکار ایشان است. آن مرحوم در آثار متعدد خودشان به تبیین این تئوری پرداختند. مرحوم استاد ابتدا اصول موازنه را در سه اصل احصا کرده بودند که عبارت بود از: «تملیک در برابر تملیک»، «تسلیم در برابر تسلیم» و «موازنه در ارزش عوضین».

ایشان در آثار بعدی خود «اصول موازنه» را توسعه دادند و در آخرین اثر که جلد چهارم کتاب

«رئیس فلسفه» است، چهار اصل دیگر به تئوری موازنه افزودند. که عبارت است از: «موازنه التزام در برابر التزام»، «موازنه در حدوث ملتزم به»، «موازنه در تأسیس اثر عقد» و «موازنه ثبوتی».

مرحوم استاد برای تبیین تئوری موازنه و اصول متعدد آن در آثار متعدد خودشان توضیحات متعددی ارائه کردند. از نظر ایشان؛ اصول موازنه مبتنی بر عقل، منطق، عدالت، اراده طرفین، اصول حقوقی و ادله متعدد فقهی و قانونی است.

با این وصف آن مرحوم هیچ گاه از زاویه دانش آیات الاحکام به تئوری موازنه نپرداختند. این نظریه به سهم خود در دکترین حقوقی مورد توجه واقع شد و از جمله استاد بزرگوار سید حسین صفایی مقاله‌ای با عنوان "اندیشه‌های نو در "تئوری موازنه" و مقایسه آن با برخی از نظریه‌های فرانسوی" نگاشتند، پژوهاک این نظریه در آراء محاکم حقوقی نیز منعکس شد و حتی مخالفان این نظریه نیز مقالاتی قابل توجه ارائه کردند با این همه نه خود مرحوم استاد جعفری لنگرودی و نه موافقان و مخالفان این تئوری از زاویه آیات الاحکام به تحلیل این تئوری نپرداختند.

به گمان نویسنده، تئوری موازنه از ارزشی تاریخی، علمی و ماندگار برخوردار است. تئوری مزبور این ظرفیت را دارد که سر پل تحول اندیشه‌ای در تئوری‌پردازی‌های حقوقی تلقی شود. به همین دلیل؛ ضرورت دارد تا با پرداختن بیشتر به این تئوری، ابعاد مختلف آن تبیین، توضیح و آشکافی شود، یکی از این ابعاد بررسی تئوری موازنه از منظر آیات الاحکام است. خوش بختانه نویسنده این توفیق را یافت که در زمان حیات مبارک استاد این موضوع را با ایشان مطرح کند. و خوش بختانه مرحوم استاد نیز در پیامی صوتی به این گفت و گوی علمی پاسخ دادند، اکنون و در این نوشتار حاصل این گفتگوی علمی برای اولین بار منتشر می‌شود.

۴-۱- متن پیام صوتی این جانب برای استاد با اندکی ویرایش چنین است.

اگر خواسته باشیم تئوری موازنه را در ترازوی آیات الاحکام بررسی کنیم می‌توان گفت که از شش آیه شریفه قرآن می‌توان مفاد تئوری موازنه را استخراج کرد. یا حداقل این آیات مشعر به مفاد تئوری موازنه هستند. متن این آیات و کیفیت دلالت آنها بر تئوری موازنه به شرحی است که عرض می‌کنم:

اول: آیه ۹ از سوره مبارکه «الرحمن» است. این آیه می‌فرماید: «و اقیما الوزن». البته قبل و

بعد از این آیه هم جالب توجه است. چون در آیه ۷ می گوید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» دلالت این آیه مبارکه بر تئوری موازنه از عبارت «و اقیمو الوزن بالقسط» استفاده می شود. زیرا؛ در این آیه هم فعل «اقیموا» و هم «الوزن بالقسط» ابعاد مختلف موازنه را نشان می دهد و ماهیت اصلی تئوری موازنه بر این اساس قابل استخراج و استنباط است. نکته دیگری که قابل توجه است عبارت است از وزان و سیاق واحدی که امر «اقیموا» در این آیه با آیات راجع به وجوب نماز دارد، زیرا امر «اقیموا الصلاه» که منشأ استنباط وجوب نماز است در آیات متعدد قرآن کریم (بقره ۱۱۰-۸۳-۴۳ و نسا ۷۷ و انعام ۷۲ و یونس ۷۸ و نور ۵۶ و روم ۳۱ و مزمل ۲۰) آمده است، و سیاق و وزان آن همانند این آیه شریفه است که مفاد تئوری موازنه از آن قابل استنباط است.

دوم؛ سوره «مطففین» آیه ۳ است. در این آیه مبارکه در توصیف مطففین می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا يُخْسِرُونَ» محل شاهد و استدلال، بر تئوری مزبور در این آیه شریفه عبارت «إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا يُخْسِرُونَ» است.

در این آیه، عدم تعادل ارزش عوضین، مورد نفی، طرد و مذمت قرار گرفته است و حالت عمدی آن از اوصاف مطففین دانسته شده که دلالت روشنی بر ضرورت تعادل عوضین دارد.

سوم: آیه شریفه ۳۵ ازسوره «اسراء» است. این آیه مبارکه تصریح دارد که: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» این آیه شریفه از آن جهت مورد استشعار و استناد قرار می گیرد که بر موازنه و هموزنی در هنگام معامله تاکید دارد و می توان برخی اصول تئوری موازنه را از آن استنباط کرد اعم از: «تسلیم در برابر تسلیم و «ارزش در برابر ارزش».

چهارم: آیه شریفه ۱۸۲ از سوره «شعراء» است. در این آیه هم تصریح می کند که «وَوَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» نحوه دلالت این آیه شریفه بر مدعا نیز همان شیوه ای است که در آیه گذشته بیان شد.

پنجم و ششم: آیات مبارکه ای است که اگرچه در ارتباط با محاسبه روز قیامت است. اما بر وجود توازن و تعادل، در محاسبات روز قیامت تاکید می کند. از جمله آیه مبارکه ۸ از سوره «اعراف» که می فرماید: «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ». در این جا هم بر وجود موازنه در محاسبات الهی، حتی در روز قیامت تاکید دارد.

و ششم آیه ۱۰۵ از سوره مبارکه «کهف» است که در پایان این آیه، در توصیف قاعده حبط اعمال و محاسبه روز قیامت تاکید می‌کند که: «فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا». در این آیه مبارکه هم بر فقدان موازنه در اعمال افرادی که مبتلا به "حبط عمل" شده‌اند تاکید می‌کند و هشدار می‌دهد.

نکته مهم در کیفیت دلالت آیات ششگانه بر تئوری موازنه آن است که، اگر به توصیف و تفسیری که مفسران قرآن کریم از قداما تا متاخران از آیات شریفه مزبور داشته‌اند، مراجعه کنیم، دو نتیجه قابل استنتاج است.

اول این که؛ مفسرین به دلیل عدم کشف تئوری موازنه چنین برداشتی از آیات مزبور نداشته‌اند. دوم این که؛ با وجود نکته اول، توصیفهایی که مفسران از آیات مبارکه ششگانه مزبور داشته‌اند از اطلاق یا عموم برخوردار است، یعنی اغلب این تفسیرها با استنباط تئوری موازنه از این آیات سازگار است. اگرچه برخی مفسران در مواردی وزن را به میزان تفسیر کرده‌اند، و یا حداقل قریب به اتفاق این تفسیرها مفهوم موازنه را به یک مصداق خاص منحصر کرده‌اند اما این تفاسیر هم با برخی اصول تئوری موازنه سازگار است همچون اصل «تسلیم در برابر تسلیم»، یا «موازنه در ارزش عوضین»، یا «تملیک در مقابل تملیک» و گاه قابل سازگاری با سایر اصول موازنه است. آن چه مسلم است این است که استنباط تئوری موازنه از آیات مزبور، هیچ مخالفت صریحی ندارد با تفاسیری که در گذشته از این آیات شریفه شده است، و عدم مغایرت این تفاسیر با برداشت مزبور، کافی است که زمینه مطالعه این تئوری را از منظر آیات الاحکام فراهم آورد.

تا نظر مبارک استاد چه باشد. منتظر اعلام نظر شریفتان هستم"

وقتی مفاد این پیام را برای استاد فرستادم ایشان به فاصله حدود ۲۴ ساعت پاسخی فرستادند که به دلیل اهمیت عینا پیاده سازی و درج می‌شود .

۴-۲- متن پاسخ مرحوم استاد:

متن پیاده شده از پیام صوتی مرحوم استاد که در آخرین ماههای حیات پربرکتشان برای این جانب ارسال کردند در این جا پیاده سازی و منتشر می‌شود تا ثبت و ضبط دقیقی از نگرش تاییدکننده ایشان راجع به پژوهش در آیات الاحکام تئوری موازنه ارائه شود، متن دقیق این پیام چنین است:

جناب آقای درویش زاده سلام علیکم

در آن ویسی که دیشب فرستادید من تمام آن را گوش دادم، بسیار بسیار خوب و جامع بود و فکر نمی‌کنم جز یک نکته، بشود چیزی به آن اضافه کرد. که حتماً آن هم مورد توجه شماست. و آن این است که در کتاب مسائل منطق حقوق یک اصل و بحثی راجع به منطق موازنه دارم. گمان می‌کنم که متناسب است که از آن بحث هم استفاده بشود. اما این که سوال کردید کتابی در این زمینه یعنی مبانی قرآنی تئوری موازنه می‌خواهید بنویسید بسیار بسیار بجا و به موقع است. اگر این کار را بکنید ثواب اخروی هم از بابت تعرض به شش آیه قرآنی خواهید داشت که من هم در آن ثواب با شما شریک خواهم شد. من معتقدم که چنان کتابی به وسیله شخص شما تهیه شود و کس دیگری در آن دخالت نکند، حتی خود بنده، بعضی کارها هست که ابتکاری است و این کار شما کاری ابتکاری خواهد بود و ابتکار، منحصر و مختص خود شما است. بنابراین من دعا می‌کنم هر چه زودتر چنان کتابی نوشته و چاپ شود و مورد استفاده عموم قرار گیرد. به خصوص این که مردم قرآن را با صدای خوب می‌خوانند اما به معنی آن خیلی علاقه نشان نمی‌دهند در حالی که... این کار شما جزو همان آیه «يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» است و حتماً این کار را بکنید و تنها هم بکنید، ابتکاری است که مخصوص شماست و دیگری حق دخالت در آن ندارد.

والسلام علیکم ورحمه الله"

اگر از عباراتی که ناشی از لطف مرحوم استاد به این حقیر است بگذریم مسلم است که مرحوم استاد جعفری لنگرودی، نگرشی انبساطی و کاملاً موافق با پژوهش در آیات الاحکام تئوری موازنه داشتند و آیات پیش نهادی این جانب را در این زمینه مناسب دانستند و بر انجام پژوهش، حتی در حد تدوین یک کتاب، تاکید کردند، این جانب در همین جا اعلام می‌دارم که پژوهشکده حقوق و قانون ایران از پژوهشهای همه استادان و صاحب نظران حقوقی و پژوهشگران قرآنی در این زمینه استقبال می‌کند و هیچ حقی و انحصاری برای خود قایل نیست و آن چه مرحوم استاد فرمودند ناشی از نظر لطف ایشان و اثر انگیزشی سخنان ایشان بوده است که مایه تحریک و تحرک برای ادامه این پژوهشها بوده و خواهد بود.

۵- حدود انتظار از پژوهشهای قرآنی در نظریه‌پردازی حقوقی

در ارتباط با استخراج نظریه حقوقی در پژوهشهای قرآنی باید مراقب باشیم که به دام افراط و تفریط نیفتیم، باید مراقبت کنیم که "حدود انتظار ما از دین" و کتاب عزیز رعایت شود، ضرورتی ندارد که برای هر نظریه حقوقی رد پای گویا در کتاب عزیز جستجو کنیم و اگر چنین رد پای پیدا نشود آن نظریه را طرد کنیم، روی کرد افراطی به اسلامی کردن علوم انسانی از آن جهت نتیجه ملموسی نداشته است که به حدود انتظار ما از دین بی‌توجهی شده است. شواهد متعددی از تاریخ علم و منطق عقلی وجود دارد که حدود انتظار ما از دین را مشخص می‌کند، حتی در آیات متعدد قرآن نیز می‌توان رد پای از ضرورت محدودسازی انتظار ما از دین و کتاب عزیز را شناسایی کرد، از جمله می‌توان به آیه شریفه ۱۸۹ سوره بقره اشاره کرد که در خصوص محدودیت انتظار از دین قاعده‌گذاری کرده است، این آیه می‌فرماید "در رابطه با هلالهای ماه از تو می‌پرسند! بگو آنها وسیله تعیین زمان برای مردمند و نیز وسیله تعیین زمان مراسم حج هستند و نیکی آن نیست که به خانه‌ها از پشت آنها وارد شوید، بلکه کار کسی نیکوست که تقوا داشته باشد و از در ورودی به خانه‌ها وارد شود و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید" ملاحظه می‌شود که اگر کل متن آیه را دارای پیوستگی متن و محتوا بدانیم، یک پرسش و پاسخ و یک قاعده‌گذاری پس از پاسخ کاملاً مشاهده می‌شود. پرسش از امری نجومی است که در حیطه علوم بشری قرار دارد. یعنی از تغییر وضعیت هلالهای ماه پرسشی شده که این پدیده چرا؟ و چگونه پدید می‌آید؟ پاسخی سریع، کوتاه و جامع ذکر می‌شود (هی مواقیت للناس والحج) کوتاهی جواب، جامعیت آن و قابل فهم بودن آن متناسب با شرایط پرسشگر و زمان پدیداری گفتگو و نیز انطباق آن با جدیدترین پیشرفت‌های علمی روز و... به گونه‌ای است که می‌تواند از وجوه اعجاز قرآن هم تلقی شود، اما آن چه مهم است، قاعده‌گذاری بسیار مهمی است که پس از این پاسخ آمده است! این قاعده به مثابه قاعده کلی برای تعیین حدود انتظار از دین و استخراج نظریه حقوقی از کتاب عزیز قابل توجه است می‌گوید "کار خوبی نیست که به خانه‌ها از پشت بام آن وارد شوید، بلکه کار خوب آن است که از در ورودی آن به خانه‌ها وارد شوید" این قاعده‌گذاری، تلمیحی به این مطلب دارد که برای شناخت و فهم علوم بشری باید از مسیر رایج و شناخته شده آن وارد شد، (تاکید بر روش شناسی علمی) اگرچه شارع می‌تواند پاسخهای

دقیقی به پدیده‌های علمی بدهد اما کار نیک و پسندیده‌ای نیست که پاسخ این مسائل را از شارع بخواهیم این امر مثل آن است که به جای ورود به یک مجموعه ساختمانی از در معمولی بخواهیم از پشت بام وارد شویم. بر این اساس حدود انتظار از دین و شریعت مشخص می‌شود که اصولاً شناخت مسائل علمی و یافته‌های تجربی بشری در حیطه مسائل مورد انتظار از دین نیست اگرچه سخنی که از کتاب عزیز در قبال تفسیر این پدیده‌ها ذکر می‌شود متقن و مطمئن خواهد بود اما این‌گونه پرسش از کتاب عزیز شیوه مناسبی نیست، اگر این پیوستگی میان این فرازها دیده نشود توالی فاسدی پدید می‌آید و درون یک آیه، مطالبی کاملاً غیر مرتبط و جدا از هم وجود خواهد داشت و هیچ ربطی میان سوال و پرسش وقاعده‌گذاری پس از آن پدید نمی‌آید. نکته دیگری که در استخراج نظریه حقوقی از پژوهشهای قرآنی به طور خاص و مطالعات دینی به طور عام باید مدنظر باشد پاسخ به این پرسش است که آیا این‌گونه پژوهشها به منزله دنباله‌روی و انفعال پژوهشهای قرآنی از یافته‌های علمی نیست؟ و آیا جستجوی مبانی قرآنی برای نو یافته‌های حقوقی که انسان پایه بوده و جامعه محور است به این معنا نیست که نوزایی آیات الاحکام و نوآوریهای آیات الاحکام زاینده نگرشی انفعالی از یافته‌های بشری است؟ در این زمینه باید گفت که تجربه جمهوری اسلامی ثابت کرده است آموزه‌های قرآنی و فقهی بر اساس شناخت از واقعیت اجتماع و نیازهای جامعه دگرگون می‌شود اما مسأله این است که پژوهش‌های قرآنی یا باید روی کردی فعال و پیشینی داشته باشد و یا رفتاری منفعل و پسینی، اما هر دو روی کرد در نهایت موجب تغییر در برداشتها، تفسیرها و نوزایی آیات الاحکام می‌شود. به عنوان مثال مبارزه با پول شویی به عنوان یک نظریه علمی از دنیای مدرن وارد ادبیات حقوقی ما شده، ابتدا قانون مبارزه با پول شویی در اسفند ۱۳۸۶ و در نهایت "قانون اصلاح قانون مبارزه با پول شویی و... در سال ۱۳۹۷ برگرفته از اسناد و کنوانسیون بین المللی وارد ادبیات قانون گذاری کشور ما شد. در طول این سالها نیز برای شناخت بنیان تئوری و قرآنی این قانون اقدام معناداری انجام نشد، در سال ۱۳۸۷ اولین کتاب با عنوان "آشنایی با جرم پول شویی" توسط دکتر محمدرضا ساکی نگارش شد. این جانب در مقدمه‌ای که بر کتاب یاد شده نوشتم به آیه ۲ سوره النسا استناد کردم که می‌فرماید "وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَيْبَ بِالطَّيِّبِ..." و بعدها نیز در مقاله‌ای مستقل با عنوان "نوزایی احکام آیات الاحکام" تلاش کردم این نظریه را توضیح دهم چرا که در

این آیه صریحاً می‌گوید "مال بد (ناپاک) و خبیث را به مال خوب (پاک) و طیب تبدیل نکنید. در این مقاله توضیح داده شد که تمامی تفسیرهایی که تاکنون از این آیه شریفه ارائه شده است از این وجه معنایی و انطباق آن با نظریه پول شویی غفلت شده است اما سوال این است که آیا این رویه روی کردی فعال یا منفعل است؟ و آیا دنباله‌روی در تفسیر آیات از یافته‌های علمی و تجارب بشری با فرض صحت چه وجوه مثبت و منفی ای دارد؟ و آیا پژوهشی پسینی محسوب می‌شود؟ یا اقدامی پیشینی در زمینه شناخت آیت الاحکام محسوب می‌شود؟ هرچه هست حداقل باید پذیرفت که اشارات و تلمیحات قرآنی می‌تواند دو روند کلی همراهی یا تضاد را میان نظریه‌های حقوقی با آموزه‌های قرآنی را نشان دهد و این موضوع علاوه بر اینکه دامنه دانش آیات الاحکام را گسترش می‌دهد موجب نوآوری یا به تعبیر صحیح‌تر موجب نوفهمی قرآنی هم می‌شود و موجب توسعه دانش پیرامونی در نظریه‌های حقوقی نیز خواهد شد! زیرا زاویه دید به این آیات را گسترش می‌دهد، از دیدگاهی دیگر برای دفاع از نوزایی آیت الاحکام می‌توان چنین استدلال کرد که تلاش برای شناسایی و کشف آیات الاحکامی که ناظر به دوره‌های پیشرفته محصولات عقل بشری است از آن جهت ضروری می‌نماید که اولاً این تلاش‌ها در دوره‌های قبلی تاریخ علم بشری موجب کشف آیات الاحکام شده بود، یعنی در دورانهای گذشته که محصولات تجربی و عقلانی بشری رشد بسیاری نداشته است، دانش آیات الاحکام متناسب با سطح علمی زمانه شکل گرفته است و بنابر این اکنون که محصولات عقل و تجربه بشری تکامل یافته است این تلاش می‌تواند همان روند گذشته را امتداد بخشد. ثانیاً تلاش و تکاپوی ذهنی و پژوهشهای جدید منتهی به نوزایی آیات الاحکام می‌شود و تابعیت فهم آیات الاحکام از محصولات فکر و تجربه بشری امری ضرورتاً منفی نیست، حداقل با فهم جدید از آیات الاحکام موجبات تکامل و توسعه در فهم از این آیات پدید می‌آید به عنوان مثال اگر اصل نظریه "پی‌شگیری از جرم" از آیات قرآن فهمیده شود پژوهش قرآنی توسعه یافته و تکاملی دوجانبه در فهم آیات الاحکام و نظریه پیشگیری از جرم پدید آمده است. توسعه این فهم هم موضع کتاب عزیز را نسبت به فرایندها علمی و اندیشه‌های جدید روشن می‌کند و هم زمینه استقبال از نظریه‌های جدید را فراهم می‌کند، اما در این میانه می‌توان این ایراد را هم مطرح کرد که شرطی کردن پژوهشهای علمی به پژوهشهای قرآنی می‌تواند مقاومت در مقابل نظریه‌های علمی را هم به دنبال داشته

باشد. به عبارت دیگر شرطی کردن عامل پویایی و آزادی در پژوهشهای علمی را محدود می کند و زمینه آزمون و خطا در تولید علمی و نظریه پردازی را از بین می برد. اما به نظر می رسد که حل این ایراد در گرو تجویز و تراکم پژوهش بعدی است. آزادی پژوهش موجب انطباق و سازگاری بیشتر نظریه های حقوقی با اقتضانات بومی، فرهنگی اجتماعی و مقتضیات زمان می شود، حتی در فرض ناسازگاری میان نظریه های حقوقی با یافته های دینی می تواند موجب پدید آمدن فهمی دقیق از دوگانه "ثابت" و "متغیر" در اندیشه دینی شود. این وضعیت حتی می تواند تقسیم سه گانه ای را در فهم اندیشه دینی مطرح کند و احکام دین را به سه نوع "کاملاً ثابت"، "کاملاً متغیر" و "احکام بینابینی" تقسیم کند (برگرفته از گفت گویهای علمی نویسنده با آیت الله سید مصطفی محقق داماد) این درک جدید از فهم اندیشه دینی محصول همین تقابلهاست و در سایه همین تقابلهاست که امید می رود اندیشه ورزان اسلامی بتوانند احکام "رازگونه شریعت" را از احکام "عرف گونه شریعت" متمایز سازند و این هر دو گونه را از احکام "حکم گونه"ی شریعت جدا سازند و به این سبب سازگاری میان علم و دین را افزایش دهند.

نتیجه

با تاکید و تحفظ بر "حدود انتظار معقول" از پژوهشهای قرآنی، مناسب است که پژوهشهای راجع به نظریه پردازی حقوقی، با درون مایه‌ای از پژوهشهای قرآنی عجین شود. با این مطالعه بینا رشته‌ای هم دامنه نظریه پردازیهای حقوقی گسترش می‌یابد و هم دانش آیات الاحکام از ایستایی به پویایی و نوزایی می‌رسد. در شرایط کنونی خلاء استنباط نظریه‌های حقوقی از پژوهشهای قرآنی امری مشهود است، ردیابی آن چه به عنوان "اصول کلی حقوقی" شناخته شده است در پژوهشهای قرآنی می‌تواند به عنوان یک سرفصل گسترده از پژوهشهای نظری و بینا رشته‌ای تلقی شود. آراء قرآنی- حقوقی و خصوصاً تئوری موازنه مرحوم استاد جعفری لنگرودی نیز این ظرفیت را دارد تا پایه‌های قرآنی این نظریه به پژوهشهای ژرف سپرده شود و آن مرحوم نیز بر انجام دادن چنین پژوهشی تاکید کرده‌اند، اکنون پژوهشکده حقوق و قانون ایران در این زمینه از ورود استادان، صاحب نظران و نظریه پردازان حقوق به این زمینه پژوهشی استقبال و آمادگی خود را برای هرگونه همکاری در این زمینه اعلام می‌دارد.